

رحلت حضرت خدیجه (سلام الله علیها)

<"xml encoding="UTF-8?">



سال های تیرگی و رنج

لحظه ای با پیامبر هم نفس بودن، یا لحظه ای چشم در نگاه مهربانش دوختن می ارزید به یک عمر سختی کشیدن و رنج بردن. برای خدیجه کبری - که سلام خدا بر او باد - سال های با پیامبر بودن سال های رنج نبود؛ بلکه سال های بدون پیامبر، سال های تیرگی و رنج بود. با پیامبر بودن اگرچه در ظاهر دشوار و پر بود از تحمل سرزنش ها و طعن ها، تحمل ضربات سنگ و گرسنگی و خستگی و تحمل لحظه های پرآشوب دشمنی های دشمنان با پیامبر، اما این همه برای خدیجه ای که محو عشق پیامبر بود و جز نور پیامبری هیچ چیز دیگری نمی دید و برای او که نگاه پیامبر را با عالمی ثروت عوض نمی کرد، از غسل شیرین تر بود. سلام خدا بر او و بر پیامبر خدا.

سیده بطح

خدیجه بنت خُوَیْلِد - که سلام خدا بر او باد - زنی بود مورد احترام و صاحب نام، آن هم در دوران تاریک جاهلیت

عرب و دوران ننگ شمردن زنان. اخلاق حَسَنه، بزرگواری و بزرگ منشی خدیجه از سوی و ثروت بسیار او از سوی دیگر او را در میان زنان قریش و بلکه زنان عرب برتری داده بود، آن گونه که او را ملکه عرب و سَیِّده بطحا لقب داده بودند. زنی پاکدامن و عفیف، با اخلاق و آدابی نیکو و با مرتبه ای بالا از فهم و اندیشه؛ زنی که لایق همسری با خورشید هدایت و لایق مادری برترین زنانِ عالم، فاطمه زهرا، شد. زنی فداکار و از جان گذشته که در راه محبت پیامبر نه از ثروت و شهرت اجتماعی، که از جان نیز دریغ نکرد. سلام خدا بر او باد.

ازدواج مبارک

بانوی بزرگوار عرب، خدیجه - که سلام خدا بر او باد - مدتی است که امور تجاری خود را به امین مگه، محمد بن عبد الله - که درود خدا بر او باد - سپرده است و از سوی وَرَقَّةَ بْنِ نَوْفَلِ عموی خدیجه به ابوطالب (علیه السلام) عموی محمد (صلی الله علیه وآله) پیغام داده که خدیجه، درخواست ازدواج با محمد (صلی الله علیه وآله) را دارد و مهر خود را از مال خویش می دهد. چندی بعد ازدواج سر می گیرد؛ ازدواجی مبارک که دنیاخواهان و ظاهرپرستان را در تحیری بی پایان وا می نهد؛ در این اندیشه که خدیجه ثروت کلان خود را با فقر محمد، یتیم قریش، آمیخته است. آری سرزنش ها خواهند کرد کوردلانی که برق سگه های خدیجه را می دیدند و از دیدن انوار محمدی کور بودند. خدیجه (سلام الله علیها) پا بر همه رسوم جاهلی و همه ضدارزش های زمان نهاده، به همسری رسول خدا در می آید و به وادی سعادت همیشگی قدم می نهد. پیامبر همواره حتی بعد از رحلت او از او به نیکی یاد می کردند.

گران ترین مهریه

ثروتمندترین زن قریش و شاید ثروتمندترین زن سرزمین بطحا اینک قصد ازدواج کرده است. بسیاری در این اندیشه اند که چه مهر گزافی باید پرداخته شود! اما خدیجه (سلام الله علیها) مهرش را از مال خود قرار داد. چشم ها به تحیر گشوده شد و زبان ها به سرزنش. یکی از قریش گفت: «عجب است که مهر را زنان برای مردان ضامن می شوند!» و ابوطالب عموی بزرگوار پیامبر - که سلام خدا بر آنها باد - همان دریای غیرت و کوه صلابت، خروشید که: «اگر شوهران دیگر چون فرزند برادر من باشند زنان به گران ترین قیمت ها و بلندترین مهرها ایشان را طلب خواهند کرد و چون مانند شما باشند، زنان مهر گران از شما خواهند خواست» و به راستی که خدیجه عالمی را به پای یک نگاه مهربان پیامبر (صلی الله علیه وآله) فدا می کرد.

همسری با خورشید

در عالم خواب خدیجه - که سلام خدا بر او باد - می بیند که خورشید با همه عظمتش و با همه نورانیتش روی آسمان مگه چرخ می خورد و پایین می آید و او چشم از خورشید بر نمی دارد، تا خورشید پایین و پایین تر می آید و در خانه او به زمین می رسد. فردا خدیجه (سلام الله علیها) این رؤیای شگفت را برای عمویش وَرَقَّة بن نوفل نقل می کند و او که از جمله قسّیسان و علمای بزرگ زمان بود می گوید که: «تو با مرد بزرگی ازدواج خواهی کرد که شهرت او عالمگیر خواهد شد». خدیجه - سلام الله علیها - در تصمیم خود درباره ازدواج با محمد امین (صلی الله علیه و آله) محکم تر می شود و می بیند روزی را که خورشید عالم اسلام و خورشیدی ترین مرد عالم، پیامبر خدا، محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) در خانه اوست. درود خدا بر پیامبر و بر همسر فداکارش خدیجه.

اولین زن مسلمان

پانزده سال از ازدواج بانوی بزرگ عرب خدیجه با بهترین شوی آسمانی می گذرد. محمد امین - که درود خدا بر او باد - هر روز برای عبادت به غار حرا می رود و هر روز نورانی تر از پیش باز می گردد؛ اما امروز هنگام بازگشت در جمال او نوری می درخشد و جلالتی موج می زند که نظر بر چهره اش نمی توان کرد. خدیجه (سلام الله علیها) می پرسد: «یا محمد، این چه نوری است که در تو می بینم؟» و محمد مصطفی، رسول برگزیده خدا می فرماید: «این نور پیامبری است. ای خدیجه، بگو لا اله الا الله و محمد رسول الله». خدیجه (سلام الله علیها) که سال هاست او را پیامبر خدا می داند، لب به شهادتین می گشاید و اسلام می آورد. او اولین زنی است که جامه پرسعادت اسلام پوشید و این افتخار همیشه در تاریخ زندگی او خواهد درخشید.

عالم الحزن

بعد از گذشت بیست و پنج سال، در سال دهم بعثت دوران شیرین بودن با پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای خدیجه (سلام الله علیها) به پایان رسید. او با فاصله سی یا سی و پنج روز از رحلت عموی پیامبر، ابوطالب، به سوی بهشت بال گشود و دل زلال و مهربان پیامبر (صلی الله علیه و آله) را سرشار از اندوه کرد، آن گونه که پیامبر آن سال را عالم الحزن یا سال اندوه نام نهادند. دو یار واقعی و دو حامی فداکار پیامبر (صلی الله علیه و آله) او را تنها گذاشته بودند و پیامبر در اندوه آنها چنان غمناک بود که کمتر از خانه بیرون می رفت. رحلت این بانوی بزرگ و این زن نمونه اسلام و روز اندوه پیامبر را - که درود خدا بر او باد - به جهان اسلام تسلیت می گوئیم.

رحلت خدیجه (سلام الله علیها)

خدیجه همسر فداکار پیامبر پس از دوران سراسر فداکاری و از جان گذشتگی و در پایان زندگی سراسر عشق نسبت به خدا و رسولش، پیامبر خدا را تنها گذاشت. ایشان خود به میان قبر رفتند و او را با دستان مبارک خود به خاک سپردند و از آن پس به هر بهانه ای از خدیجه به بزرگواری یاد می کردند و به نیکی سخن می گفتند. درود خدا بر رسولش و بر خدیجه یاور مهربان پیامبر.

چهل شب صبوری

خداوند پیامبرش را به چهل شب عبادت دعوت کرده و امر فرموده است که از خانه و همسر دوری گزیند و به عبادت بنشیند و این دعوت را به خدیجه نیز ابلاغ کند. عمّار صحابی وفادار حضرت از سوی پیامبر برای خدیجه - که درود خدا بر آنان باد - پیام می برد که، این چهل شب هجران نه به دلیل کراهت و انزجار، که به امر خداست. خدا تو را دوست دارد و به تو مباحثات می کند. در خانه بمان و در به روی هیچ کس مگشای. خدیجه این بنده مطیع خدا و این دریای وفا و اخلاص و صبوری، چهل شب به امر خدا و رسولش با تنهایی انس می گیرد و چشم بر در می دوزد. اشک چه یار مهربانی است برای او در این همه تنهایی! شاید هم اوست که یاری می کند تا شام چهلمین فرا رسد و خدیجه پاداش صبر برگیرد. سلام خدا بر او باد.

برترین نور

خدیجه همسر وفادار رسول خدا - که درود خدا بر آنها باد - به امر خدا و به خواست شوی بزرگوارش رسول خدا چهل شب را با تنهایی گذرانده و چشم بر در داشته است تا در شام چهلمین صدای در بلند می شود و خدیجه (سلام الله علیها) می پرسد: کیست کوبنده دری که جز محمّد سزاوار کوبیدن آن نیست؟ صدای ملکوتی رسول محبت را می شنود که: باز کن خدیجه، محمّد. این زیباترین صدایی است که خدیجه (سلام الله علیها) چهل شب در انتظار شنیدنش صبوری کرد و پاداش این صبوری در فراق پیامبر، دُرّانه هستی زهراست. آری، خدیجه اینک حامل محبوبه خدا، فاطمه زهرا (سلام الله علیها) است. رحمت خدا بر او که بنده مطیع خدا و یار وفادار رسول خدا بود.

تولد بهشتی

زمان تولد دختر پیامبر، برترین زن عالم، فاطمه زهرا (سلام الله علیها) نزدیک است. خدیجه - سلام الله علیها - که بر خلاف نظر بسیاری از زنان و مردان قریش ازدواج با پیامبر را برگزیده بود، امروز دست تقاضایش را برای یاری، زنان قریش رد کرده اند. گفته بودند: به یاری تو نمی آیم که حرفمان را نشنیدی و با یتیم مگه ازدواج کردی و ثروت را با فقر محمد تباه کردی. خدا در پاداش خدیجه (سلام الله علیها) چنین رقم زد که چهار زن از زنان بهشت از برترین زنان عالم به یاری او بیایند و با ملایکی چند، خدیجه دل شکسته را خرسند کنند. گوارا باد شربت مهر الهی بر او که زلال مهر بر پیامبر جاری کرد.

مباهات خدا

امروز بانوی بزرگ اسلام، همسر گرامی رسول خدا و اولین زن مسلمان، بال به سوی بهشت می گشاید. امروز یادآور حزنی بزرگ برای پیامبر خداست. اندوهی گران و مصیبتی جان سوز در رحلت همسری مهربان و یآوری فداکار؛ زنی مؤمن، عفیف، شجاع و ایثارگر که پیامبر به او بشارت می دهند: «ای خدیجه، در حق خود جز نیکی گمان مبر که خدای تعالی هرروز بارها با ملایک خود به تو مباہات می کند». سلام خدا بر او و شوی بزرگوارش رسول خدا باد.

نماز جماعت آسمانی

کعبه، خانه خدا، چندی است بر خود می بالد که قبله گاه نماز جماعتی آسمانی شده است. رسول خدا (صلی الله علیه وآله) حضرت علی (علیه السلام) و حضرت خدیجه (سلام الله علیها) اولین منادیان اسلام، در میان تاریکی کفر و جهل، نور ایمان می پراکنند و شمیم اسلام می فشانند. در زمانی که طوفان جهالت، هرچه نهال انسانیت و گل بوته ایمان هست بر می کند و به دست فنا می سپارد، سه باغبان از جان گذشته، راست قامت، غرق در نور و مؤمن به خدا، گل های ایمان و عبادت می کارند. خدیجه (سلام الله علیها) این زن شجاع و استوار و از جان گذشته در برابر چشم همه دشمنان اسلام به آنان ملحق شده است تا پیام راستین اسلام را هرچه بهتر به گوش جهان برسانند. و درود خدا بر آنها که یاوران نهال نورسیده اسلام بودند.

جراحت سنگ

به همسر پیامبر، خدیجه - سلام الله علیها - خبر می رسد که کفار در راه خانه تا مسجدالحرام بر پیامبر هجوم آورده و او را با سنگ مجروح کرده اند. این همان خبری است که خدیجه نگران شنیدنش بود و از هراس آن به خود می لرزید. اما او را در برابر آن همه دشمن، آن هم دشمنانی کوردل و جاهل، چه چاره ای است جز آن که خود را سپر سنگ ها کند و جراحت بر جان بپذیرد تا پیامبر کمتر آسیب ببیند و سپس با سفره نانی و کوزه آبی به غار حرا برود و رسول خدا، همسر بزرگوارش را از مهر خود سرشار کند و او را به مهربانی تیمار دهد. خداوند، به پاداش مهرش بر او مهربانی جاری کن.

عشق به اسلام

امروز روز رحلت بانوی گران قدر اسلام و حامی و پشتیبان فداکار و با صلابت نهال تازه روییده اسلام، خدیجه کبری است. بانویی از خود گذشته و با ایمان که انیس تنهایی ها و سختی های پیامبر بود و مایه تسلی دل آن رسول مهر. بانویی ثروتمند که از همه اموالش در راه اسلام گذشت و ذره ای از جان و مالش دریغ نکرد. لحظه به لحظه اش را صرف خدمت به پیامبر فرمود و در همه سختی ها و گرفتاری ها خود را شریک پیامبر دانست و خود را در تحمل بار همه دردهای پیامبر سهیم کرد. او چنان به اسلام و پیامبر عشق ورزید که جز نور محمدی و شمیم خوش اسلام دل به چیز دیگر نسپرد و برای هیچ چیز دیگری ارزش قائل نشد. رحلت این بانوی بزرگ بر جهان اسلام تسلیت باد.

برترین زنان عالم

خدیجه کبری بانوی بزرگ عرب و همسر گرامی رسول خدا - که سلام خدا بر آنان باد - از برگزیده ترین و برترین زنان عالم است. او از جمله زنانی است که خداوند تعالی از میان زنان بهشت برگزید و برتری داد؛ چنان که رسول خدای می فرماید: «خداوند از زنان چهار تن را برگزیده است: حضرت مریم (سلام الله علیها)، آسیه همسر فرعون، حضرت خدیجه کبری و حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)». درود خدا بر آنها و بر همه پیامبران الهی اش.

قصری در بهشت

فاطمه (سلام الله علیها)، محبوبه خدا، دردانه رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بسیار کوچک بود که مادرش خدیجه را از دست داد و فاطمه کوچک - که سلام خدا بر او باد - چون جای مادر را خالی دید، نگران و آشفته چشم در چشم پدر دوخت و به زبان کودکانه اش مادر را طلبید. پیامبر، این دریای مهر و لطافت، با این قلب عاشق فاطمه و محزون از هجران خدیجه (سلام الله علیها) چه می توانست بگوید، جز آن که باز هم جبرئیل این یاور همیشه لحظه های دشواری به یاری بیاید و خبر برساند که خدا به تو پیام می دهد: «سلام مرا به فاطمه ام برسان و بگو که مادر تو را در قصری از قصرهای بهشت جای دادیم که از طلا و یاقوت سرخ فراهم آمده است و او را با مریم دختر عمران و آسیه هم خانه ساخته ایم». این همان چیزی بود که در رحلت جان سوز مادر برای این دردانه تسلا دل بود.

آسمانی بودن

خدا در آفرینش تو ای خدیجه، ای بانون بزرگ، نشان داد که چگونه دل انسان می تواند در میان همه تاریکی ها و جهالت ها روشن و پرنور بماند. نمایاند که چگونه می شود در میان همه دنیاپرستی ها و با همه قدرت و مکت، دل از دنیا گند و به آسمان راهی جست. خدا در وجود تو حقیقت نورانی بودن دل را به تصویر درآورد. دل می تواند پر از نور ایمان باشد حتی اگر در عمق دریای جهالت به سر برد و حتی اگر در دنیاخواهی ها و مال پرستی ها اسیر باشد. انسان می تواند دل به دنیا نسپرد، اگرچه ثروتمندترین باشد و شهیرترین؛ چنان که خدیجه (سلام الله علیها) چنان کرد؛ دنیای بی ارزش را فدا کرد و لایق همسری رسول خدا شد، گرچه سرزنش ها شنید که ثروت را بر باد دادی، اما او به معدن وجود راه یافته بود. خدایا ما را در پیروی از آن راست قامتان مستدام بدار.

نشریه گلبرگ، آبان 1380، شماره 22